

روشهای سیاسی حل اختلافات بین المللی

نویسنده: پوهنیار محمد فریدون سروش

چکیده

با توجه به ساختار ناهمگون جامعه بین المللی و موضع گیریهای متفاوت بین کشورها تعارض منافع بین دول و بروز اختلاف یک امر اجتناب ناپذیر تلقی میگردد. در گذشته تاریخ جهان شاهد حل اختلافات بین المللی از طریق اعمال فشار اقتصادی یا توسل به عملیات نظامی بود که معمولاً این روش حل اختلاف منجر به تحمیل نظر کشور قوی تر بر کشورهای ضعیف میشد.

قرن بیستم با تحولاتی که در روابط میان دولتها رخ داد، روابط ابعاد گسترده تری به خود گرفت و پیچیده گی این روابط و اختلافات ناشی از آن ایجاب میکرد تا روشهایی برای حل مسالمت آمیز این اختلافات جستجو گردد. با تأسیس جامعه ملل در ۱۹۲۰ و تأکید بر حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی واحدهای سیاسی متعهد دانسته شدند تا توسل به زور و

کاربرد سلاح را در حل مناقشات بین المللی تا حد امکان کنار گذارند. به تعقیب آن منشور ملل متحد و مندرجات اسناد بین المللی قبلی مانند میثاق جامعه ملل را تکمیل گردید و تعهدات روشن تر و وسیع تری بر دوش دولتها گذاشت و صریحاً راه توسل به زور و عملیات نظامی برای حل اختلافات بین المللی را ممنوع ساخت.

امروزه در روابط بین الملل یکی از قواعد آمره بین المللی عدم توسل به زور و حل اختلافات از مجرای مسالمت آمیز آن دانسته میشود. مهمترین روشهای سیاسی حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی شامل مذاکره، سازش، میانجی گری و مساعی جمیله است.

عبارت کلیدی: حل اختلافات بین المللی، مسالمت آمیز، عدم توسل به زور، مذاکره،

سازش، میانجی گری، مساعی جمیله.

مقدمه

مسئله صلح خواهی و زنده گی مسالمت آمیز یکی از آرمانهای نسبتاً عام اکثر جوامع با فرهنگ های گوناگون بوده است؛ اما تاریخ بشریت این را ثابت ساخته که جنگ نیز همواره جزء جدایی ناپذیر زنده گی جوامع انسانی صرف نظر از منطقه جغرافیایی یا مقطع تاریخی آن، محسوب شده است. تعارض بین اهداف، منافع و دیدگاه های کشورهای یک امر طبیعی بوده اند و عموماً برای نیل به اهداف خود به صورت محسوس یا غیر محسوس با یک دیگر به رقابت می پردازند. این رقابت ها ممکن است تحت شرایطی به اختلاف و نزاع تبدیل شوند.

در دوران کلاسیک، به دلیل عدم وجود و یا هم عدم تمایل به تطبیق قواعد حقوق بین الملل دولتها برای برطرف نمودن اختلافات خود معمولاً به جنگ متوسل میشدند که تاریخ مملو از جنگ های بزرگ و کوچکی است که باعث ویرانی ها و خسارات فراوانی شده اند. در گذشته، جنگ هایی که بین دولت ها به وقوع می پیوست ابعاد جغرافیایی محدودتر داشت؛ اما با پیشرفت سریع تکنولوژی نظامی و گسترش روابط میان کشورهای مختلف جهان، جنگها از حالت محدود به گسترده و جهانی تبدیل شدند و خسارت های مالی، انسانی، فرهنگی و زیست محیطی این جنگها به شکل سرسام آوری افزایش یافت. در چنین شرایطی پی گیری راه های

درگیر نشدن در یک جنگ خونین و خاتمه بخشیدن به یک جنگ برپا شده، از مشغله‌های مهم جامعه انسانی بوده و اساساً بخشی عمده از وقت اندیشمندان حقوق و روابط بین الملل را به خود مصروف ساخته است، به گونه‌یی که جامعه جهانی در قرن گذشته توجه بیشتری به حل و فصل اختلافات از طریق مسالمت آمیز کرده است. درین مقاله سعی بر آن است تا معمول ترین روشهای سیاسی حل مسالمت آمیزه اختلافات بین المللی که عبارت اند از مذاکره، میانجی گری، مساعی جمیله و سازش مورد بحث و تحلیل قرار داده شود تا باشد مورد استفاده علاقمندان موضوع به خصوص دانشجویان رشته حقوق و علوم سیاسی قرار گیرد.

مذاکره

واژه مذاکره در لغت به معنای چک و چانه زدن، جر و بحث، توافق، مبادله، معامله و نقد کردن آمده است. در اصطلاح مدیریتی، مذاکره فراگردی است که دو یا چند نفر یا گروه دارای هدفهای مشترک و متضاد، طرح‌های پیشنهادی خود را بیان میکنند و شرایط خاص خود را مورد بحث قرار می‌دهند؛ تا احتمالاً به توافق برسند. مذاکره، معمولاً شامل ترکیبی از مصالحه، همکاری مبتنی بر اعتماد و احتمالاً تأکیدی بر مسایل حیاتی است. (ظریف؛ ۱۳۸۷: ۵۲۱)

شکی نیست که مذاکره رایج ترین شیوه مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات بین المللی بوده و یکی از مواردی است که در اکثر اختلافات بین المللی به عنوان اولین گام مؤثر در بر طرف نمودن اختلاف بر داشته میشود. (موسی زاده؛ ۱۳۸۸: ۳۶۰) از مهمترین ویژه گیهای این روش انعطاف پذیری و مؤثر بودن آن در نزدیک ساختن خواستها و نقطه نظرات طرفین اختلاف است.

اهمیت مذاکره به عنوان یکی از روشهای حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی در اسناد متعدد مورد تأکید قرار گرفته است، از جمله منشور ملل متحد تمام دول عضو را به مذاکره و گفتگو جهت رفع اختلافات حقوقی توصیه نموده است. مزید برین کنوانسیون حقوق دریاهای مهمیت خاصی برای تبادل نظر دول در حل اختلافات مربوط به امور دریایی قایل شده

است هرگاه اختلافی بین دولتهای عضو در مورد تفسیر یا اجرای این کنوانسیون بروز کند، طرفهای دعوا باید سریع «به یک تبادل نظر برای حل و فصل آن به وسیله مذاکره یا دیگر روشهای مسالمت آمیز اقدام کنند» (کنوانسیون حقوق دریاها، ماده ۲۸۳).

طبقه بندی مذاکره

مذاکره را میتوان با توجه به نحوه برگزاری و ماهیت آن طبقه بندی نمود:

الف - از لحاظ شکلی

با توجه به بعد شکلی مذاکرات ممکن است به عنوان یک فراگردی نگاه شود که در آن، دو یا بیشتر از دو طرف، سعی در رسیدن به توافق قابل قبول دارند. (رضائیان؛ ۱۳۸۷: ۹۰) بناءً از لحاظ شکلی ممکن است مذاکره به یکی از اشکال زیر برگزار گردد:

مذاکره دوجانبه؛

مذاکره چند جانبه در چهارچوب یک کنفرانس بین المللی؛

مذاکره میان گروهی؛

ب - از لحاظ ماهوی

با توجه به ماهیت و موضوعی که توسط مذاکره دنبال میشود ممکن است مذاکره به یکی از انواع زیر مربوط گردد:

مذاکره توزیعی: این نوع مذاکره، اغلب در موضوعات اقتصادی اتفاق می افتد؛ که در آن طرفین، رفتارهایی همچون ارتباطات محافظه کارانه، اعتماد محدود، به کارگیری تهدید، خواسته ها و اظهارات وارونه از خود نشان می دهند.

مذاکره تلفیقی: روش حل مسأله مشارکتی، برای رسیدن به راه حل هایی است که به نفع طرفین مذاکره است. در این نوع مذاکره، مذاکره کننده گان مسایل طرفین را شناسایی و گزینه ها را معین و ارزیابی می کنند. مذاکره ساخت دهی مبتنی بر گرایش: فراگردی است که در آن، طرفین مذاکره سعی در ایجاد نگرش ها و روابط مطلوب خود دارند. طرفین مذاکره در

طول مذاکره رویکردهای میان فردی خاص (مانند خصومت یا دوستی و رقابت یا همکاری) را نشان می دهند.

مذاکره میان سازمانی: اغلب گروه ها از طریق نماینده ها مذاکره میکنند. این نماینده گان، قبل از این که بتوانند با هر گروه دیگر، به توافق برسند، باید توافق مورد نظر گروه خود را نیز به دست آورند. در مذاکره میان سازمانی، سعی می شود قبل از ارتباط با گروه های مذاکره کننده دیگر، اجماعی در داخل گروه برای توافق و حل تعارض با گروه مقابل به دست آید. (میرعباسی؛ ۱۳۸۹: ۵۹)

۲- میانجی گری

میانجی گری یکی دیگر از شیوه های سیاسی - دیپلماتیک حل و فصل اختلافات می باشد که در آن طرف ثالث به منظور پایان دادن و یا کاهش مناقشات بین دو طرف درگیر، مداخله میکند. میانجی با اشراف بر ریشه های مناقشه موضوعات مورد نظر طرفین اختلاف را همراه با پیشنهاداتی برای مذاکره دو طرف مطرح می نماید و خود نیز مستقیماً در مذاکرات شرکت و تلاش می کند، دو طرف اختلاف را به تفاهم با یک دیگر ترغیب مینماید؛ به عبارت دیگر، میانجی گری؛ یعنی، دخالت یک کشور یا شخص ثالث یا سازمان بین المللی به طور داوطلبانه در حل اختلافات فی مابین دو یا چند کشور. (انصاری؛ ۱۳۷۵: ۴۶۷)

میانجی گری در تاریخ روابط بین الملل پیشینه تاریخی داشته است و در جوامع اروپایی به دلیل نفوذ معنوی روحانیون کلیسا در اکثر موارد از پاپ به عنوان میانجی در حل اختلافات کشورهای اروپایی استفاده شده است؛ اما میانجی گری به شکل امروزی از آغاز قرن بیستم در قالب کنفرانسهای صلح لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ پی ریزی شد. (موسی زاده؛ ۱۳۸۸: ۳۷۰) با تأسیس جامعه ملل در ۱۹۲۰ شورای جامعه با استناد به صلاحیتهایی که میثاق جامعه به آن نهاد اعطا کرده بود در موارد متعددی به میانجی گری در اختلافات دول عضو اقدام نمود. منشور ملل نیز در ماده ۳۳ خویش میانجی گری را یکی از شیوه های مسالمت آمیز حل اختلافات بین المللی قلمداد نموده است. (منشور ملل متحد، ماده ۳۳)

خصوصیات میانجی گری

طوری که قبلاً تذکر رفت، میانجی گری به عنوان یک اقدام داوطلبانه به درخواست طرفین اختلاف و یا به پیشنهاد دولت یا شخص ثالث با در نظر گرفتن شرایط اختلاف صورت میگیرد. (بیگدلی؛ ۱۳۷۳: ۱۳۱) میانجی گری دارای خصوصیات زیر است:

اقدامی است داوطلبانه؛

اقدام و دخالتی است فعال؛

توسط یکی از تابعین حقوق بین الملل صورت میگیرد؛

در جهت کسب توافق و رفع اختلاف انجام میشود.

با توجه به خصوصیات فوق میتوان میانجی گری را یک اقدام برای جلب توافق و تأثیر گذاری بر طرفین معارضه تعریف کرد که درین میان نقش و توانایی میانجی برای حل مشکلات، جلب نظر موافق طرفین در گیر در مناقشه و درک وضعیت های متفاوت از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد.

مساعی جمیله

یکی دیگر از روشهای سیاسی حل اختلافات بین المللی استفاده از مساعی جمیله است. هرگاه دو دولت نخواهند یا نتوانند اختلاف خود را از طریق مذاکرات سیاسی حل و فصل نمایند و یا مذاکرات به نتیجه مطلوب منجر نشود، دولت ثالث یا یک سازمان بین المللی و یا سایر مقامات صلاحیتدار بین المللی که مستقیماً در اختلاف ذی نفع نیستند، میتوانند اقدامات لازم را به عمل آورند که به این اقدامات مساعی جمیله اطلاق میگردد.

اکثر منابع حقوق بین الملل مساعی جمیله را تلاش دوستانه دولت ثالثی که میکوشد تا هم زمینه یی را برای تفاهم و توافق کشورهای در حال اختلاف درباره از سرگیری مذاکرات فراهم آورد و هم با اقدامات علنی، پیشنهادهای خود را به طرفین مناقشه بقبولاند تعریف نموده اند. (ماکس پلانک؛ ۱۳۹۰: ۱۰۹) عده یی از دانشمندان مساعی جمیله را صرفاً زمینه سازی برای مذاکره تلقی نموده اند و ارائه پیشنهاد را از جانب میانجی لازم نمیدانند؛ مثلاً: دکتر میر

عباسی به این باور است که مساعی جمیله؛ یعنی، «شیوه حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی که به موجب آن، طرف ثالث با رضایت کشورهای طرف منازعه به عنوان واسطه و به نحوی دوستانه میکوشد تا آنها را به مذاکره جلب کند، بدون این که برای حل و فصل، به این کشور پیشنهادهای ماهوی ارائه نماید.» (میرعباسی؛ ۱۳۷۶: ۲۶)

با توجه به تعاریفی که در فوق تذکر رفت میتوان اذعان داشت که مساعی جمیله دارای چند مشخصه است:

اولاً، این که مساعی جمیله توسط دولت ثالث صورت میگیرد؛ ثانیاً، این که در پروسه استفاده از مساعی جمیله رضایت طرفین اختلاف برای مداخله شخص ثالث ضروری است؛ ثالثاً، این که باید شخص ثالث هیچ نوع دخالت و نفعی در ماهیت اختلاف مورد نظر نداشته باشد تا بی طرفی شخص ثالث تضمین گردد؛ رابعاً، کشور ثالث درباره نحوه حل و فصل اختلافات پیشنهادی به طرفین اختلاف ارائه نمیدهد؛ بلکه زمینه انجام مذاکره را آماده میکند.

سازش

یکی دیگر از روشهای سیاسی حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی سازش یا توافق است. در مقایسه با سایر روشهای حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی از لحاظ تاریخی، سازش یکی از روشهای نسبتاً جدید به شمار می آید، به گونه یی که حتی کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه و یا میثاق جامعه ملل که بیشتر روی حل منازعات دولتها از طریق صلح آمیز تأکید داشته اند نیز به روش سازش اشاره نکرده اند. این روش نخستین بار در معاهده ۱۹۰۹ منعقد شده بین امریکا و کانادا و سپس در سال ۱۹۱۱ در معاهدات منعقد شده توسط امریکا با فرانسه و انگلیس پیش بینی شده است. (موسی زاده؛ ۱۳۸۸: ۳۸۳) اکثر دانشمندان حقوق بین الملل به این باور اند که سازش عبارت از فرایند حل و فصل مسالمت آمیز اختلاف بین المللی از طریق ارجاع به یک کمیسیون دایمی و یا یک کمیسیون ویژه سازش است، که با توافق طرفین تعیین شده باشد.

سازش از طریق کمیسیونهایی صورت میگیرد که معمولاً از سه یا پنج شخص مورد

اعتماد طرفین تشکیل میشوند و تعیین شخص ثالث در این گونه کمیسیونها با توافق طرفین اختلاف و یا اشخاص مورد اعتماد طرفین به انجام میرسد. با توجه به این که طرفین اختلاف در انتخاب اعضای کمیسیون سازش مختاراند و درین روش از چندین نفر در ترکیب یک کمیسیون برای حل اختلاف استفاده میشود. کارآیی روش سازش نسبت به سایر روشها بیشتر بوده است و اغلباً فیصله کمیسیون سازش مورد قبول طرفین اختلاف قرار میگیرد. (موسی زاده؛ ۱۳۸۸: ۳۸۴)

با در نظر داشت شباهتهایی که بین سازش و میانجی گری دیده میشود گاهی چنین به نظر میرسد که میانجی گری و سازش دارای عین ماهیت است و هیچ تفاوتی با یک دیگر ندارند؛ اما با نگاه عمیق میتوان تفاوتهای زیر را بین این دو روش بر شمرد:

میانجی گری یک روش حل اختلاف به شکل غیر سازمان یافته است در صورتی که سازش در قالب کمیسیون به انجام میرسد و تابع تشریفات رسمی مختص به خود میباشد.

برای تشکیل کمیسیون سازش نیاز به قراردادی بین طرفین اختلاف است؛ اما برای میانجی گری نیاز به قرار داد نیست.

در میانجی گری همه شخصیتهای حقوق بین الملل اعم از دولتها، سازمانهای بین المللی و همچنان افراد به عنوان میانجی عمل میکنند؛ در حالی که در سازش تمام اقدامات توسط کمیسیون سازش که مرکب از افراد است انجام میشود.

اکثر کمیسیون سازش پس از بررسی، برای حل و فصل اختلافات فقط پیشنهادهایی ارائه میدهد و نمیتواند حکم قضایی صادر کند. قبول تصمیمات کمیسیون سازش جنبه الزامی ندارد و دولتها سازش را در مقایسه با داوری و رسیده گی قضایی و با توجه به اصل حاکمیت ترجیح میدهند؛ زیرا آزادی عمل بیش تری برای کمیسیون سازش وجود دارد.

نتیجه گیری

در این مقاله کوشش به عمل آمده است تا به جنبه های مفهومی، حقوق و اجرایی مذاکره، میانجی گری، مساعی جمیله و سازش به صورت خلاصه؛ اما حتی المقدور جامع

پرداخته شود.

همان گونه که در بخش های مختلف مقاله ذکر گردید با تحولاتی که در روابط دولتها به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم به میان آمده است و این روابط بر مبنای پرنسیپهای حقوق بین الملل تعریف و تنظیم میشود، دیگر اختیار دولتها در حل منازعات و اختلافات فی مابین شان محدود به روشهای مسالمت آمیز بوده و توسل به زور اکیداً منع شده است. هر یک از روشهایی که در این مقاله به بررسی گرفته شد جایگاه خاص خودش را در حل اختلافات دولتها داشته اند و مطابق به طرزالعملهای معینی مورد استفاده قرار میگیرند. صرف اراده و تمایل به روشهای مذکور میان طرفین منازعه و اشخاصی که به حل و فصل مسالمت آمیز یک منازعه میپردازند کافی نیست؛ زیرا، اگر اقدام به هر یک ازین راهکارها چنانکه با روش های مناسب و کارآمد همراه نباشد و یا ظرافت های لازم در انتخاب روش مورد توجه قرار نگیرد احتمالاً به نتایج مثبت و مؤثری منجر نخواهد شد.

روش های حل اختلافات بین المللی بسیار متنوع هستند. این تنوع به علت تفاوت های ماهوی مستتر در زمینه های مناقشه و مشخصات طرفین درگیر در منازعه می باشد. روشهای حل اختلافات بین المللی اقدامات فقط صوری و رسمی نیستند، در روش خلاصه نمی شوند و نباید درکی ابزارگونه از آنها داشت. هریک ازین روشها مستلزم آمیزه یی از هوش و درک فوق العاده، بهره مندی از سجایای عالی انسانی و ملاحظات دوراندیشانه سیاسی است و دارای فلسفه است. هریک ازین روشها این اهداف نهایی را تعقیب میکنند که توانایی ها و قوای بشری به جای آن که در تعارض با هم قرار گیرند و یک دیگر را خنثی سازند، باید در جهت حل منازعات و رفع مخاصمات مورد استفاده قرار گیرند. هریک ازین روشها هنر تداوم صلح است و مجموعه مهارتهایی برای افزایش تفاهم و درک متقابل گروه های بشری.

منابع

- ۱- رضائیان، علی. (۱۳۸۷). مدیریت تعارض و مذاکره. تهران. سمت.
- ۲- رهنمود انستیتوت ماکس پلانک. (۱۳۹۰). حقوق بین الملل در افغانستان. کابل. ماکس پلانک.
- ۳- ظریف، محمد جواد. (۱۳۸۷). دیپلماسی چند جانبه. تهران. نشرات وزارت امور خارجه.
- ۴- کارو دومینیک. (۱۳۷۵). حقوق بین الملل در عمل. ترجمه تقی زاده انصاری، مصطفی. تهران. نشر قومس.
- ۵- میر عباسی، سید باقر. (۱۳۸۹). حقوق بین الملل عمومی. تهران. گنج دانش.
- ۶- میر عباسی، سید باقر. (۱۳۷۶). حقوق بین الملل عمومی. تهران. دادگستر.
- ۷- موسی زاده، رضا. (۱۳۸۸). بایسته های حقوق بین الملل عمومی. تهران. نشر میزان.
- ۸- کنوانسیون حقوق دریاهاى منعقدہ زنو. (۱۹۸۲)
- ۹- منشور سازمان ملل متحد. (۱۹۴۵)